



Quranic Studies (Specialized Quarterly)
Vol.4 / No.15 / Spring 2025
<https://www.iict.ac.ir>
...

Evolution and Scope of Qur'anic History (with Emphasis on the Perspectives of Muslim Scholars and Orientalists)

Majid Ma'aref

Professor, Department of Qur'anic and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies,
University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: maaref@ut.ac.ir



Citation

Maaref, M. (2025). Evolution and Scope of Qur'anic History (with Emphasis on the Perspectives of Muslim Scholars and Orientalists). (e735116). *Quranic Studies*, 5(15), e735116 doi: 10.22034/qs.2025.735116

[10.22034/qs.2025.735116](https://doi.org/10.22034/qs.2025.735116)

Type of Article: Research Article

Received: 2024/12/20

Revised: 2025/01/09

Accepted: 2025/01/19

Publish Online: 2026/04/15

Abstract

The history of the Quran represents a terminological composite and a sub-discipline within Quranic sciences that has, in recent decades, gained independent scholarly attention from both Muslim and Orientalist researchers. These two groups have approached this subject with distinct methodologies, leading to significant disagreements regarding its scope and interpretation. This research, employing a descriptive-analytical method, elucidates the definition, origins, evolution, scope, and structure of the history of the Quran from the perspectives of Muslim and Orientalist scholars. A key finding is the identification of the Quran's narrative, from its initial revelation to the present day, as the most precise definition. Furthermore, the research highlights the evolution of approaches among Muslims, progressing from implicit understandings to descriptive, analytical, and instrumental analyses, often with the objective of scientifically defending the preservation and authenticity of the Quran. Conversely, Orientalist scholarship has tended to evolve from introductory studies of the Quran or its translation to independent investigations predicated on the assumption of the Quran's historicity. The exclusion of certain topics, such as divine revelation and prophetic knowledge ('ilm al-ghayb), from the purview of Quranic historical inquiry by Orientalists, and the Muslim emphasis on a reality-centered approach in defining the scope of the history of the Quran, are also among the findings of this research.

Keywords

History of the Quran, Orientalist Studies, Quranic Sciences, Origins of the History of the Quran.



Copyright © 2024 The Author(s);

This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC-BY-NC: <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode.en>), which permits use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.



تطور و قلمرو تاریخ قرآن (با تأکید بر دیدگاه مسلمانان و خاورشناسان)

مجید معارف

استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: maaref@ut.ac.ir



استناد به این مقاله:

معارف، مجید . (۱۴۰۴). تطور و قلمرو تاریخ قرآن (با تأکید بر دیدگاه مسلمانان و خاورشناسان). [doi: ۱۰/۲۲۰۳۴/qs.۲۰۲۵/۷۳۵۱۱۶](https://doi.org/10.22034/qs.2025.735116), ev۳۵۱۱۶, (۱۵) قرآن پژوهی. ۵. (ev۳۵۱۱۶)

[10.22034/qs.2025.735116](https://doi.org/10.22034/qs.2025.735116)

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

تاریخ قرآن ترکیبی اصطلاحی و شاخه‌ای از علوم قرآن است که در دهه‌های اخیر به صورت مستقل مورد توجه پژوهشگران مسلمان و خاورشناسان قرار گرفته است. هرکدام از این دو گروه با رویکردی خاص به این بحث پرداخته‌اند و از این رو در مسائل مربوط به آن دارای اختلافات جدی هستند. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی به بیان چستی، خاستگاه، تطور، قلمرو و ساختار مباحث تاریخ قرآن از دیدگاه مسلمانان و شرق‌شناسان پرداخته است. شناسایی سرگذشت قرآن از آغاز نزول تا عصر حاضر به عنوان دقیق‌ترین تعریف، تطور از مرحله ضمنی به توصیفی، تحلیلی و ابزاری از سوی مسلمانان و غالباً با هدف دفاع علمی از صیانت قرآن و در مقابل تطور از رویکرد مقدمه‌نگاری بر قرآن با ترجمه آن به پرداخت‌های مستقل از سوی متشرقان و با پیش فرض تاریخ‌مندی قرآن، خالی بودن برخی مباحث مانند وحی و علم غیب در قلمرو مباحث تاریخ قرآن مستشرقان و رویکرد واقعیت محور در تعیین قلمرو تاریخ قرآن از سوی مسلمانان، از یافته‌های این پژوهش است.

واژگان کلیدی

تاریخ قرآن، مطالعات خاورشناسانه، علوم قرآن، خاستگاه تاریخ قرآن.



مقدمه

با گسترش مطالعات قرآنی در دوران معاصر، تاریخ قرآن به عنوان اصطلاحی ترکیبی و نوظهور، جایگاه ویژه‌ای در میان مباحث علوم قرآن یافته است. این دانش نقش بنیادینی در تبیین سرگذشت نزول، جمع، تدوین و صیانت قرآن دارد و به طور مستقیم با مسئله و حیانی بودن قرآن در ارتباط است. دگرگونی در فرایند پژوهش‌های اسلامی و قرآنی در سده چهاردهم از ابعاد گوناگون و روی کار آمدن مباحثی که در این باره از سوی مستشرقان از قرن نوزده میلادی آغاز شد، موجب اختلافات جدی پژوهشگران مسلمان و مستشرق در مطالعات قرآنی از جمله بحث تاریخ قرآن گردید. اختلاف این دو رویکرد درباره خاستگاه، قلمرو و ساختار مباحث تاریخ علوم قرآن افزون بر پیامدهای تفسیری و تاریخی و زمینه‌سازی طرح شبهه درباره تاریخ‌مندی قرآن، نبودن چارچوبی مشخص در مسائل این علم را فراهم کرده است. ارائه چنین چارچوبی که قابل قبول برای همگان باشد بدون تبیین و بازخوانی مفهوم، منابع، قلمرو و ساختار تاریخ قرآن و واکاوی ریشه این اختلافات ممکن نیست. مسئله اصلی این پژوهش تبیین و تحلیل رویکرد پژوهش‌های اسلامی و خاورشناسی در زمینه، چستی، تطور، قلمرو و ساختار تاریخ قرآن است؛ هرچند برخی از قرآن پژوهان معاصر مانند سیدمرتضی عسکری در القرآن الکریم و روایات المدرستین، محمد هادی معرفت در تاریخ قرآن و صبحی صالح در علوم القرآن با مقایسه این دو رویکرد و به منظور دفاع از صیانت قرآن به برخی از این اختلافات اشاره نموده‌اند اما رویکرد ایشان تنها نقد گرایانه نه نظریه‌محور است.

۱. چیستی تاریخ قرآن

تاریخ قرآن، ترکیبی اصطلاحی و نوظهور است (مهدوی‌راد، ۱۳۸۴، ص ۲۲۸) که در آن، تاریخ، به معنای لغوی و قرآن، به معنای اصطلاحی به کار رفته و شاخه‌ای از علوم قرآن است که در آن سرگذشت قرآن از آغاز نزول تاکنون بررسی می‌شود.

بسیاری از نویسندگان کتاب‌های «تاریخ قرآن»، این اصطلاح را همچون مفهومی بدیهی،

تطور و قلمرو تاریخ قرآن (با تأکید بر دیدگاه مسلمانان و خاورشناسان)

بی‌نیاز از تعریف دانسته‌اند؛ هرچند رفته‌رفته، گروهی از قرآن‌پژوهان به تعریف آن پرداخته و شناسه‌هایی را به‌اجمال یا تفصیل ارائه داده‌اند؛ برای نمونه برخی تاریخ قرآن را بخشی از علوم قرآن دانسته (حجتی کرمانی، ۱۳۶۰، ص ۱۷) یا گروهی دیگر دو معنا برای آن ارائه کرده‌اند: در تعریف نخست، آن را دانشی دربردارنده مباحث مربوط به توصیف و تحلیل سرگذشت گردآوری و تدوین قرآن از آغاز نزول وحی تا سیر هزار و چهارصدساله نگارش و نشر آن در اعصار جدید دانسته‌اند و در تعریف دوم، آن را به نفس توصیف و تحلیل چگونگی تطور قرآن به قرآن کنونی معنا کرده‌اند که به‌نظر می‌رسد این تعریف بیشتر در پیوند با فلسفه تاریخ قرآن است تا علم تاریخ قرآن؛ ازاین‌رو دقیق‌ترین تعریف از تاریخ قرآن، شناسایی سرگذشت قرآن از آغاز نزول تا عصر حاضر است (ر.ک: خرمشاهی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۳-۱۲۵ / محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۸ / ایازی، ۱۳۸۱، ص ۸۵)، همان‌گونه که برخی از کتاب‌های تاریخ قرآن در عصر حاضر دقیقاً همان عنوان سرگذشت قرآن را بر خود دارند (ر.ک: مظلومی، ۱۴۰۱، ص ۱۱-۲۷۵). دراین‌باره تفاوت چندانی بین پژوهشگران مسلمان و خاورشناسان، دیده نمی‌شود (شاکر، ۱۳۸۷، ص ۱)؛ جز اینکه نخستین بار خاورشناسان، عنوان تاریخ قرآن را برای پاره‌ای از پژوهش‌ها به‌کار برده‌اند (ر.ک: ادامه مقاله).

۲. خاستگاه دانش تاریخ قرآن

رویکرد مسلمانان و خاورشناسان درباره خاستگاه دانش تاریخ قرآن متفاوت است:

۲-۱. مسلمانان و دانش تاریخ قرآن

برای بیان ارتباط مسلمانان و دانش تاریخ قرآن لازم است که رویکردهای مختلف به بحث تاریخ قرآن بیان گردد.

۲-۱-۱. رویکرد ضمنی به بحث تاریخ قرآن

پس از آنکه مسلمانان با تکیه بر مبانی و دلایل خود، اعجاز قرآن را - به‌عنوان سند نبوت پیامبر اسلام ﷺ (طباطبایی، ۱۳۵۳، ص ۱۸-۱۹) - پذیرا شدند، با علاقه‌مندی تمام، شناخت

همه‌جانبه آن را در کتاب‌های تفسیر و علوم قرآنی در دستور کار خود قرار داده و در ذیل آن مباحث تاریخ قرآنی را نیز مورد بررسی قرار داده‌اند.

موضوع‌هایی که در عصر حاضر در دانش تاریخ قرآن ارائه می‌شوند، در آثار گذشتگان ذیل «علوم قرآن» مورد بحث قرار می‌گرفتند؛ چه در کتاب‌های جامعی که با عنوان علوم نوشته می‌شد؛ مانند البرهان فی علوم القرآن، اثر زرکشی و الإیتقان فی علوم القرآن، نگارش سیوطی، و چه در مقدمه برخی از تفسیرها که به مباحث علوم قرآن اختصاص داشت؛ مانند تفسیر التنبیان فی تفسیر القرآن، اثر طوسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، نوشته طبرسی، روض الجنان و روح الجنان نگارش ابوالفتوح رازی، الجامع لاحکام القرآن، تألیف قرطبی و تفسیر الصافی، اثر فیض کاشانی؛ همچنین از مقدمه‌های مفصل علوم قرآنی در تفسیرها می‌توان به مقدمه تفسیر المبانی لنظم المعانی، اثر عاصمی اشاره کرد؛ در دوران معاصر نیز کتاب البیان فی تفسیر القرآن، نگارش خویی به‌عنوان مقدمه‌ای بر تفسیر قرآن حاوی مهم‌ترین مباحث از نوع «تاریخ قرآن» است.

قرآن‌پژوهان در دوران معاصر، به‌ویژه نویسندگان تاریخ قرآن اتفاق نظر دارند که دانش تاریخ قرآن بخشی از علوم قرآنی به‌معنای جامع آن است (ر.ک: رامیار، ۱۳۶۹، ص ۱۸/ حجتی کرمانی، ۱۳۶۰، ص ۱۷/ سعیدی روشن، ۱۳۷۹، ص ۱۳۱/ مهدوی‌راد، ۱۳۸۴، ص ۲۲۸). حتی برخی از صاحب‌نظران تصریح کرده‌اند که مباحث کتاب خود را در آثار پیشین خویش با عنوان علوم قرآنی ارائه کرده‌اند (معرفت، ۱۳۸۲، ص ۳)، اما به‌تدریج بخشی از پژوهش‌های مربوط به قرآن با عنوان «تاریخ قرآن» تفکیک شد؛ به‌رغم این، هنوز مرز روشنی میان «علوم قرآنی» به‌معنای جدید آن با «تاریخ قرآن» تبیین نشده است؛ در کتاب‌هایی که در عصر حاضر در هریک از «علوم قرآنی» و «تاریخ قرآن» نوشته می‌شود، مباحثی دربردارنده مطالب عنوان دیگر را می‌توان مشاهده نمود. البته در تمایز دو موضوع «تاریخ قرآن» و «علوم قرآنی» می‌شود عنصر زمان را به‌عنوان شاخص در نظر گرفت؛ بدین‌معنا که آن دسته از مباحث مرتبط با قرآن را که به‌گونه‌ای با دوره و زمانی خاص پیوند می‌یابند - ازجمله تاریخ نزول وحی، گردآوری و تدوین قرآن در دوره‌های گوناگون، رسم‌الخط و سیر تحول آن، مصاحف صحابه و مصحف عثمانی -

تطور و قلمرو تاریخ قرآن (با تأکید بر دیدگاه مسلمانان و خاورشناسان)

در شمار موضوع‌های تاریخ قرآن دانست و آن دسته از پژوهش‌های قرآنی را که با چشم‌پوشی از زمان خاص انجام‌پذیر است - مانند بحث از محکم و متشابه، ماهیت و معیار نسخ، مفهوم و منطق، عام و خاص، دلالت قرآن، اعجاز و وجوه آن - در حوزه موضوع‌های علوم قرآنی قرار داد (ر.ک: معارف، ۱۳۸۳، ص ۱۹-۲۰/ شاکر، ۱۳۸۷، ص ۲۷).

با این وصف در عصر حاضر مباحث تاریخ قرآن از دو جهت مورد مطالعه جدی مسلمانان قرار گرفته‌اند.

۲-۱-۲. رویکرد استقلالی به بحث تاریخ قرآن

گروهی، برای تاریخ قرآن به‌عنوان یک دانش، موضوعیت قائل شده، به‌صورت گسترده یا محدود به شناسایی مسائل آن پرداخته‌اند و در نتیجه آثار ارزشمندی از خود بر جای گذاشته‌اند؛ این گروه، آثار خود را با نام‌های تاریخ قرآن، سرگذشت قرآن، شناخت قرآن و گاه با عنوان مباحثی در تاریخ و علوم قرآن یا علوم قرآن منتشر کرده‌اند؛ از این دست آثار می‌توان به تاریخ القرآن اثر ابوعبدالله زنجانی (م. ۱۳۶۰ق) به‌عنوان پیشگام مسلمانان عصر حاضر در نگارش تاریخ قرآن اشاره کرد؛ این کتاب از آثار مختصر در فن تاریخ‌نگاری قرآن بوده و به گفته برخی (رامیار، ۱۳۶۹، ص ۱۰ «مقدمه»)، نخستین تاریخ قرآن و دومین اثر مستقل در این باره است (مهدوی‌راد، ۱۳۸۴، ص ۲۳۴/ محمدی، ۱۳۸۵، ص ۲۰). در پی آن و پس از سپری‌شدن خودداری اولیه برخی از قرآن‌پژوهان مسلمان (ر.ک: معارف، ۱۳۸۳، ص ۲۰-۲۲/ مهدوی‌راد، ۱۳۸۴، ص ۲۳۲-۲۳۵) در به‌کارگیری عنوان تاریخ قرآن، تاکنون ده‌ها کتاب با نام «تاریخ قرآن» یا «تاریخ و علوم قرآن» از سوی دانشمندان شیعه و اهل سنت تألیف شده است که برخی از پژوهشگران (معارف، ۱۳۸۳، ص ۳۰-۳۱/ ر.ک: مهدوی‌راد، ۱۳۸۴، ص ۲۳۴-۲۶۰/ شاکر، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۴۹-۶۳) در آثار خود به معرفی، چگونگی و تحلیل آنها پرداخته‌اند؛ از مهم‌ترین این آثار، تاریخ قرآن اثر محمود رامیار، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم نوشته سیدمحمدباقر حجتی، تاریخ جمع قرآن کریم تألیف محمدرضا جلالی نائینی و تاریخ قرآن نگاشته محمدهادی معرفت هستند که به زبان فارسی تألیف شده‌اند. در عصر حاضر کتاب‌های ارزشمندی نیز به زبان عربی به‌دست قرآن‌پژوهان

مسلمان در دنیای اسلام تألیف و ارائه شده است؛ مانند تاریخ القرآن اثر عبدالصبور شاهین، تاریخ القرآن و غرائب رسمه و حکمه نوشته محمد طاهر بن عبدالقادر کردی مکی و تاریخ القرآن تألیف ابراهیم ایبیری. رویکرد این کتاب‌ها در درجه نخست، توصیفی، تحلیلی است؛ هرچند به نقد شبهه‌های وارده نیز پرداخته‌اند.

۲-۱-۳. رویکرد ابزاری به بحث تاریخ قرآن

برخی نیز به صورت استطرادی، پاره‌ای از مباحث تاریخ قرآن را مورد بررسی قرار داده‌اند و احتمالاً هدف آنان تاریخ قرآن‌نویسی نبوده است، بلکه با این انگیزه به موضوع تاریخ قرآن پرداخته‌اند که شبهه‌ای را پاسخ گفته و به دنبال صیانت از قرآن بوده‌اند؛ برای مثال البیان فی تفسیر القرآن، در فصل «صیانه القرآن عن التحریف» به بررسی اخبار جمع قرآن - از مسائل اصلی تاریخ قرآن - پرداخته و از راه نشان دادن اختلاف‌های موجود در این روایات، جمع قرآن در دوران ابوبکر را مورد تشکیک قرار داده و جمع قرآن در دوره عثمان را پذیرفته است (خویی، ۱۳۹۵، ص ۲۵۷). علامه طباطبائی همین تلاش علمی را ذیل تفسیر آیه نهم سوره حجر «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» به نمایش گذاشته است (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۱۱۸-۱۲۲). از کتاب‌های دیگری که با چنین رویکردی به طرح مباحثی از تاریخ قرآن پرداخته، می‌توان به القرآن الکریم و روایات المدرستین، اثر سیدمرتضی عسکری، حقائق هامه حول القرآن الکریم، نوشته سیدجعفر مرتضی عاملی، قرآن در اسلام نگارش سیدمحمدحسین طباطبائی و نیز تدوین القرآن تألیف علی کورانی عاملی اشاره نمود. درباره تحریف‌ناپذیری قرآن نیز آثاری نوشته شده که از جمله آنها التحقیق فی نفی التحریف علی القرآن الشریف، اثر سیدعلی حسینی میلانی، سلامه القرآن من التحریف تألیف فتح‌الله محمدی، عصمه القرآن من الزیاده و النقصان نگارش سیدمرتضی رضوی و صیانه القرآن من التحریف نگارش محمدهادی معرفت است.

چنان‌که روشن است انگیزه این گروه از قرآن‌پژوهان مسلمان در طرح مباحث تاریخ قرآن، پرداختن به دانش تاریخ قرآن نبوده است، بلکه آنها در درجه نخست در پی دفاع از حیثیت قرآن در برابر شبهه‌های اخباریان قائل به تحریف یا خاورشناسان بوده‌اند؛ چنان‌که در همین

تطور و قلمرو تاریخ قرآن (با تأکید بر دیدگاه مسلمانان و خاورشناسان)

راستا در عصر حاضر کتاب‌های مهمی نیز با نقد شبهه‌های خاورشناسان نگارش یافته که اندیشه‌های آنان را درباره تاریخ قرآن به نقد کشیده است؛ از جمله: مواقف المستشرقین من جمع القرآن الکریم و رسمه و ترتیبه به قلم ابوبکر کافی، القرآن الکریم فی دراسات المستشرقین (درسته فی تاریخ القرآن، نزوله و تدوین و جمعه) اثر مشتاق بشیر غزالی و نقص دعوی المستشرقین بتحریف القرآن الکریم من خلال المقارنه مع کتب اهل الکتاب، نگارش احمد معاذ علوان حقی.

۲-۲. خاورشناسان و تاریخ قرآن

از پاره‌ای پژوهش‌های انجام‌شده این‌گونه می‌توان دریافت که خاورشناسان از آغاز سده نوزدهم تا نیمه دوم سده بیستم میلادی اهتمام ویژه‌ای به مباحث تاریخ قرآن داشته‌اند. این مباحث از دو جهت ازسوی خاورشناسان مورد مطالعه قرار گرفته است:

۲-۲-۱. رویکرد مقدمه‌ای بر قرآن یا ترجمه‌های قرآن

بیشترین نوشته‌هایی که در آنها به این مباحث پرداخته شده با عنوان‌هایی چون زندگانی حضرت محمد ﷺ، مقدمه قرآن و مطالعات قرآنی منتشر شده‌اند. افرادی چون رژی بلاشر (Regis Blachere)، ریچارد بل (Richard Bell) و ویلیام مونتگمری وات (William Montgomery Watt) با نام مقدمه بر قرآن و کسانی مانند ویلیام مویر (William Muir)، هیوبرت گریم (Hubert Grimme) و آلوئیس اشپرنگر (Aloys Sprenger) در ضمن بررسی زندگانی حضرت محمد ﷺ به این مباحث پرداخته‌اند؛ گروهی دیگر؛ مانند گوستاو ویل (Gustav Weil) این مباحث را هم در کتاب‌هایی با عنوان مدخلی بر قرآن و هم با نام زندگانی پیامبر ﷺ آورده‌اند؛ جان ونز برو (Gohn Wansbrough) در کتابی به نام مطالعات قرآنی، به مباحث تاریخ قرآن نیز پرداخته است؛ همچنین در پژوهش‌های اخیر به برخی از زیرمجموعه‌های تاریخ قرآن، همچون «جمع‌آوری قرآن» نیز توجه شده و آثار مستقلی درباره آنها نگارش یافته‌اند (ر.ک: صغیر، ۱۴۲۰، ص ۲۱-۲۸؛ پارسا، ۱۳۹۰، ص ۵۵-۱۵۸؛ شاکر، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۴۹-۶۳). از گزارش یادشده می‌توان دریافت که آغازین تاریخ قرآن‌نویسی نزد

خاورشناسان دو چیز بوده است: اقدام به ترجمه قرآن به زبان‌های گوناگون و در نتیجه مقدمه‌نگاری بر ترجمه‌ها برای شناساندن قرآن و پژوهش در شرح حال حضرت محمد ﷺ به عنوان شخصی که در عصر خود تحول‌آفرین بوده و شناخت زمینه‌های این تحول. این نکته نیز قابل توجه است که بسیاری از خاورشناسان طبق مبانی اعتقادی خود که منکر پیامبری حضرت محمد ﷺ و در نتیجه نزول قرآن به عنوان یک کتاب آسمانی بوده‌اند، پیامبر اسلام ﷺ را به عنوان نویسنده قرآن دانسته و در بررسی زندگانی آن حضرت ﷺ یا مقدمه ترجمه‌های خود بر قرآن، از آن با نام کتاب محمد ﷺ یاد کرده و منبع و مصدرشناسی آن را نیز مورد بررسی قرار داده‌اند؛ از جمله این خاورشناسان جورج سیل (George Sale) است که در مقدمه خود بر ترجمه قرآن این موضوع را که محمد ﷺ مؤلف قرآن و مبتکر اصلی آن است، خدشه‌ناپذیر می‌داند (ر.ک: زمانی، ۱۳۸۵، ص ۹۳-۹۹/ زقروق، ۱۴۰۹، ص ۱۰۰/ معرفت، ۱۴۲۴، ص ۷-۱۰۹).

در راستای آنچه گفته شد می‌توان از دو مقدمه مفصل تاریخ قرآنی بر دو ترجمه مهم قرآن به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی یاد کرد: یکی از این دو ترجمه نوشته بلاشر است که با عنوان در آستانه قرآن، از سوی محمود رامیار به فارسی ترجمه و منتشر شده و دیگری، از آن بل است که بهاءالدین خرمشاهی آن را ترجمه و با نام درآمدی بر تاریخ قرآن نشر داده است.

۲-۲-۲. رویکرد استقلالی

پس از پژوهش‌های گذرا و پراکنده غربیان درباره تاریخ قرآن، این موضوع به گونه‌ای مستقل در دستور برخی از پژوهش‌ها قرار گرفت و برابر گزارش‌های موجود، نخستین بار تئودور نولدکه (Theodor Noldeke) رساله دکتری خود را با همین موضوع در دانشگاه گوتینگن آلمان انجام داده و با رتبه ممتاز در رشته شرق‌شناسی و زبان‌های سامی فارغ‌التحصیل گردید. به سبب فزونی یافتن علاقه‌مندی به مطالعات اسلامی در آن روزگار، آکادمی ادبیات پاریس در سال ۱۲۷۳ قمری (۱۸۵۷ م.) با تدارک مسابقه‌ای، برای بهترین نوشته در زمینه «تاریخ انتقادی متن قرآن» جایزه‌ای تعیین کرد؛ نولدکه با افزودن فصل‌های جدیدی به متن رساله خود و انجام برخی اصلاحات در آن در سال ۱۲۷۴ قمری (۱۸۵۸ م.) نوشته‌ای را ارائه نمود و آکادمی یادشده جایزه خود را به طور مشترک به وی، آلویس اشپرنگر و

تطور و قلمرو تاریخ قرآن (با تأکید بر دیدگاه مسلمانان و خاورشناسان)

میکله آماری (Michele Amari) داد؛ تاریخ قرآن نولدکه صورت کمال یافته‌ای از همان نوشته بود که در سال ۱۲۷۶ قمری (۱۸۶۰ م.) در گوتینگن به چاپ رسید؛ تاریخ قرآن نولدکه در حیات و پس از مرگ او به ترتیب به دست فریدریش شوالی (Fredrich Schwally)، هاینریش تسیمرن (Heinrich Zimmern)، گوتهلِف برگشترسر (Gotthelf Bergstrasser) و اتو پرتسل (Otto Pretzel) مورد بازبینی و تکمیل قرار گرفت و در سه بخش اصلی در سال ۱۹۳۸ میلادی انتشار یافت (ر.ک: بهشتی، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۲۴۰-۲۴۱/رحیمی ریس، ۱۳۸۲، ص ۱۶-۳۰/مهدوی‌راد، ۱۳۸۴، ص ۲۳۲-۲۳۳).

برخی، محافل علمی غرب را خاستگاه آغازین نگارش تاریخ قرآن و نولدکه را نخستین تاریخ‌نگار قرآن می‌دانند (ر.ک: مهدوی‌راد، ۱۳۸۴، ص ۲۳۲/صغیر، ۱۴۲۰، ص ۲۲/ایازی، ۱۳۸۱، ص ۸۵)، ولی تاریخ‌نگاری قرآن به شکل موضوعی عام در بین خاورشناسان رواج نیافت؛ چنان‌که با توجه به فرایند مطالعات قرآنی به زبان‌های اروپایی در فاصله سال‌های ۱۷۰۰ تا ۱۹۹۵ میلادی، تنها چند اثر محدود را با نام «تاریخ قرآن» می‌توان یافت (ر.ک: کریمی‌نیا، ۱۳۸۰، ص ۵۳)؛ از این رو تاریخ‌نگاری قرآن در غرب بیشتر در شناسایی و تصحیح نسخه‌های خطی قرآن، پژوهش‌های علمی با محورهای جزئی؛ مانند «امی بودن پیامبر»، «زندگینامه قاریان هفت گانه»، «شخصیت‌شناسی محمد ﷺ»، «مصحف‌شناسی مناطق گوناگون، همچون سمرقند و صنعاء»، «مصحف امام»، «نقطه‌گذاری قرآن و علائم سجاوندی»، «وحی و جن‌زدگی»، «منابع و مصادر قرآن»، «قرائات و رسم الخط قرآنی»، «مقایسه قرآن و عهدین»، «تاریخ‌گذاری آیه‌ها و سوره‌ها»، «تحلیل ساختاری قرآن»، «تذهیب قرآن»، «واژگان دخیل» و موضوع‌هایی از این دست دنبال شده است (ر.ک: همو، ۱۳۸۳، ص ۵۳/دبیرخانه نمایشگاه بین‌المللی قرآن، ۱۳۸۰). خاورشناسان در موضوع‌های یادشده، کتاب‌ها، مقاله‌ها و نیز مدخل‌های فراوانی در دائرة المعارف‌های علمی نگاشته و ارائه کرده‌اند (Rippin, 2006, 2, pp.245-266; Blair, 2006, 3, pp.593-603; Neuwirth, 2006, 2, pp.226-237).

۳. انگیزه کاربرد اصطلاح تاریخ قرآن

دو تلقی درباره انگیزه کاربرد این اصطلاح در میان پژوهشگران مسلمان وجود دارد:

۳-۱. سلبی‌نگری

با توجه به آنکه عنوان «تاریخ قرآن» در دوران معاصر ازسوی خاورشناسان برای رشته‌ای از پژوهش‌های علوم قرآنی برگزیده شد، به باور گروهی از پژوهشگران مسلمان کاربرد این اصطلاح ازسوی خاورشناسان با حسن‌نیت همراه نبوده و آنان با بهره‌جستن از این عنوان کوشیده‌اند چنین وانمود کنند که قرآن نیز همچون کتاب‌های آسمانی دیگر – ازجمله انجیل و... – سال‌ها پس از وفات آورنده قرآن، پیامبر اسلام ﷺ گردآوری و تدوین شده است (دروژه، ۱۴۱۰، ص ۶). به باور برخی از پژوهشگران چنین امری اگر از روی غرض‌ورزی نباشد حاکی از رویکرد خاصی درباره قرآن است که حساسیت‌های موافقانه و مخالفانه‌ای را نسبت به خود در پی داشته است (ر.ک: خرمشاهی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۳-۱۲۵/آقای، ۱۳۸۲، ص ۵۷).

ازجمله کسانی که با نگاهی سلبی، پژوهش‌های خاورشناسان و حتی برخی از مسلمانان را در شکل‌گیری «تاریخ قرآن» رصد کرده، سیدمرتضی عسکری است: وی پس از نقد پیشینه خاورشناسان در پژوهش‌های قرآنی از عمکلرد آرتور جفری (Arthur Jeffrey) در تصحیح اختلاف المصاحف ابن‌ابی‌داوود سجستانی انتقاد کرده و آن را کوششی با هدف تشکیک در ثبوت نصّ قرآنی می‌داند که اکنون در اختیار مسلمانان است (عسکری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۷۶۴)؛ وی همچنین تألیف تاریخ القرآن ازسوی ابوعبدالله زنجانی و تکریم و تمجیدهای به‌عمل‌آمده از او را کاملاً مشکوک دانسته و با معرفی فصل‌ها و ساختار کتاب، اقدام نویسنده را گامی همسو با خاورشناسان و نیز دانشمندان اهل سنت می‌داند؛ زیرا در کتاب تاریخ قرآن زنجانی، مباحث مربوط به جمع و تدوین قرآن بیشتر با تکیه بر روایات اهل سنت تألیف شده تا آنکه بیانگر عقاید و نقش شیعه و امامان آنها باشد. درهرحال ویژگی اصلی کسانی که با نگاه منفی به پیدایش «تاریخ قرآن» نگریسته‌اند، موظف دانستن خود به بیان حقیقت تاریخ و سرگذشت قرآن و نیز شناخت

تطور و قلمرو تاریخ قرآن (با تأکید بر دیدگاه مسلمانان و خاورشناسان)

شبهه‌های خاورشناسان درباره قرآن و نقد آن است (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۷۶۴-۷۶۸ / ابولیل، ۱۴۲۳، ص ۳۴-۴۱۲).

۳-۲. اثباتی‌نگری

این رویکرد معلول به رسمیت شناختن تحول و دگرگونی در فرایند پژوهش‌های اسلامی و قرآنی در سده چهاردهم از ابعاد گوناگون، از جمله تنوع در مباحث و موضوع‌های مورد مطالعه، ساختار مباحث و مسائل پژوهشی و نیز نوع نگاه پژوهشگران به مسائل اسلامی است که پیدایش دانشی به نام «تاریخ قرآن» را امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌کند (ر.ک: مهدوی‌راد، ۱۳۸۴، ص ۲۲۷-۲۳۴)؛ ازسوی دیگر بر پایه این نگاه، دانش «تاریخ قرآن» عهده‌دار شناخت قرآن و شناساندن آن بوده و اهمیت این امر فرع بر اهمیت قرآن به عنوان پایه‌گذار امتی بزرگ و یگانه پیام آسمانی است که اصالت خود را در گذر تاریخ حفظ کرده و از گزند تحریف و دستبرد در امان مانده است (معرفت، ۱۳۸۲، ص ۱)؛ در این نگاه، از تاریخ قرآن‌شناسی خاورشناسان نیز استقبال شده است، اما به دلیل اختلاف مبانی آنان با مسلمانان در پژوهش و تحلیل مباحث اسلامی، نسبت به رویکرد خاورشناسان، با احتیاط و توأم با نقد علمی نگریسته شده است.

ازاین منظر، «تاریخ قرآن» دانشی است که حقایقی را درباره قرآن گزارش می‌کند، اما نه با هدف اثبات اصالت قرآن یا زدودن شبهه‌ای در مسیر اعتبار آن؛ زیرا قرآن در کسب اعتبار و اصالت، بی‌نیاز از تاریخ است؛ زیرا انتقال سینه‌به‌سینه قرآن در طول تاریخ و جنبه اعجازی آن بر اساس تحدی (همانند طلبی) و عجز جن و انس از آوردن مانند آن، موجب استغنائی کتاب الهی از تکیه بر تاریخ و جز آن می‌شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۵۳، ص ۱۹۷-۱۹۸).

۴. منابع تاریخ قرآن

مصادر علم تاریخ قرآن، با توجه به گستره موضوعی آن از گوناگونی ویژه‌ای برخوردار است که مهم‌ترین آنها به قرار زیر است:

۴-۱. قرآن

برخی از آیات قرآن که از رنگ‌وبوی مسائل تاریخ قرآن برخوردار است - از جمله آیات مربوط به چگونگی نزول قرآن (ر.ک: بقره: ۱۸۵ / حجر: ۹ / اسراء: ۱۰۶ / فرقان: ۳۲ / دخان: ۳ / قدر: ۱-۳) - مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

۴-۲. روایات و منابع تاریخی

بنیادی‌ترین منابع «تاریخ قرآن» کتاب‌های روایی و تاریخی است؛ در جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت، روایات فراوانی درباره مسائل تاریخ قرآن به چشم می‌خورد که مورد استناد تاریخ‌نگاران قرآن قرار گرفته است؛ این روایات معمولاً در بخش‌هایی به نام «کتاب القرآن»، «کتاب فضل القرآن»، «کتاب فضائل القرآن» و... آمده‌اند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۵۹۶، ۶۰۲، ۶۱۹ و ۶۲۶). همچنین کتاب‌های سیره و تاریخ؛ مانند السیره النبویه اثر ابن هشام، الطبقات الکبری نوشته ابن سعد، تاریخ طبری و نیز اسد الغابه نگارش ابن اثیر جزری که معرف کارنامه صحابه در فرایند نگارش وحی و گردآوری و تدوین قرآن بوده است، مورد استناد واقع شده‌اند.

۵. قلمرو و مسائل تاریخ قرآن

در تعیین مباحث تاریخ قرآن، دیدگاه یکسانی میان اندیشمندان وجود ندارد؛ این موضوع خود برآیند چند نکته است که اهم آنها عبارت‌اند از: متمایز نشدن دقیق قلمرو «تاریخ قرآن» و «علوم قرآنی»، پس از جدایی تاریخ قرآن از علوم قرآنی به معنای سنتی آن؛ اختلاف مبانی فکری، نگرش‌های مذهبی، روش و منابع پژوهش نویسندگان تاریخ قرآن؛ اختلاف‌نظر در شناسایی موضوع‌های تاریخ قرآن و میزان اهمیت آنها برای بحث؛ تفاوت شیوه برخورد تاریخ‌نگاران قرآن با آرای قرآنی خاورشناسان. عامل اخیر بر گزینش مباحث و حتی ساختار آثار تاریخ‌نگاران قرآن تأثیر گذاشته است؛ ازاین‌رو جهت‌گیری انتقادی در کتاب‌های تاریخ قرآن اثر محمود رامیار و عبدالصبور شاهین در برابر دیدگاه‌های شرق‌شناسان قوی‌تر از

تطور و قلمرو تاریخ قرآن (با تأکید بر دیدگاه مسلمانان و خاورشناسان)

کتاب‌های تاریخ القرآن نوشته ابو عبد الله زنجانی و لمحات من تاریخ القرآن اثر محمد علی اشيقر است.

۵-۱. دیدگاه خاورشناسان؛ رویکرد پیش فرض محور و تقلیل قلمرو مباحث تاریخ قرآن

برابر برخی از پژوهش‌ها، محورهای مهم و بنیادین مورد نظر خاورشناسان در مباحث مربوط به تاریخ قرآن عبارت‌اند از:

پیدایش متن قرآن و دگرگونی‌های آن در زمان پیامبر ﷺ؛ تاریخ گردآوری و تدوین متن قرآن؛ تاریخ گذاری سوره‌ها و گروه‌بندی آیه‌های موجود در مصحف عثمانی؛ سیر دگرگونی رسم الخط و قرائت متن قرآن؛ تحریف قرآن (ر.ک: شاکر، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۵۸۵۶).

افزون بر این برخی، پرداختن به آنچه متعلق به اسباب نزول آیات و سوره‌ها و نیز لهجه‌های قرآن است را از دیگر محورهای مورد نظر خاورشناسان دانسته‌اند (ر.ک: صغیر، ۱۴۲۰، ص ۲۱-۱۶۷)؛ هرچند بررسی‌ها بیانگر اهتمام خاورشناسان به طرح مسائل دیگری در حوزه بحث تاریخ قرآن است؛ مانند شکل‌گیری متن قرآن، تاریخ نزول سوره‌ها و آیه‌ها، سوره‌های مکی و مدنی در قرآن و ویژگی‌های آنها، گردآوری، تدوین و نگارش قرآن، تأثیر قرآن بر علوم دیگر، زبان قرآن و ویژگی‌های ساختاری آن، تحریف قرآن، تأثیر قرآن بر جامعه عرب، مذاهب منشعب از قرآن (ر.ک: آقایی، ۱۳۸۲، ص ۵۶-۶۵)، تاریخ گذاری آیات و سوره‌ها، بحث از منابع و مصادر قرآن و حتی تلاش در اثبات توانایی خواندن و نوشتن برای پیامبر ﷺ و در نتیجه مؤلف جلوه‌دادن آن حضرت ﷺ که از اولویت‌های پژوهشی خاورشناسان در تاریخ قرآن بوده است؛ آنان همچنین به بحث‌های تعدد مصحف‌های نخستین و اختلافات آنها و نیز اختلاف لهجه‌ها و قرائت‌های قرآنی و وابسته کردن مسائل گردآوری و تدوین قرآن با منافع قومی و قبیله‌ای و در نتیجه وقوع تحریف در قرآن، به گونه‌ای جسورانه دامن زده‌اند (ر.ک: گلدزیهر، ۱۳۸۳، ص ۲۹-۴۵ / بلاشر، ۱۳۷۴، ص ۷۶-۷۸ / بدوی، ۱۳۸۳، ص ۱۷-۷۰ / زمانی، ۱۳۸۵، ص ۹۲-۲۵۶).

روشن است که دسته‌بندی ارائه شده از سوی خاورشناسان درباره مباحث تاریخ قرآن با

رویکردی ناهمدلانه و غرض‌ورزانه، با نگرش آنان در خصوص تاریخ‌مندی قرآن دارای پیوندی مستقیم است؛ ازاین‌رو در مباحث قرآنی شرق‌شناسان، جای برخی از مباحث مورد علاقه مسلمانان از جمله بحث وحی و اقسام نزول قرآن از جهت دفعی و تدریجی، ویژگی‌های قرآن به‌عنوان سند حقانیت پیامبر ﷺ و محفوظ‌بودن آن از هرگونه دستبرد به دلیل متواتر‌بودن آن، خالی مانده است.

۵-۲. دیدگاه مسلمانان؛ رویکرد واقعیت‌محور

درمقابل، قرآن‌پژوهان مسلمان با توجه به واقعیت‌های تاریخی به تعیین مباحث تاریخ قرآن پرداخته و برای برخی از مباحث آن، موضوعیت ویژه‌ای قائل شده‌اند؛ این مباحث برای نمونه عبارت‌اند از: وحی و نزول قرآن، تقسیمات قرآن به سوره‌ها و آیات، اجتهادی یا توقیفی‌بودن ترتیب آیه‌ها و سوره‌ها، حفظ و نگارش و تدوین قرآن در دوران رسول خدا ﷺ و با نظارت مستقیم ایشان - که بیشتر مورد تأکید پژوهشگران شیعه است - (← مقاله جمع قرآن)، رویدادهای مربوط به گردآوری و تدوین قرآن پس از درگذشت پیامبر ﷺ (در زمان ابوبکر و عثمان) و چگونگی سازگاری این موضوع با جمع و تدوین قرآن در زمان پیامبر ﷺ، عوامل طبیعی سلامت قرآن از دستبرد و تحریف، یکسان‌سازی مصحف به‌معنای حذف قرائت‌های نامعتبر و اصلاح و بهینه‌سازی رسم‌الخط قرآن (ر.ک: رامیار، ۱۳۶۹، ص ۳۳-۶۴۳/ معرفت، ۱۳۸۲، ص ۱۶-۱۸۱/ خرمشاهی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۴-۱۲۵).

۶. ساختاربندی مسائل تاریخ قرآن

برخی از قرآن‌پژوهان الگوهایی را برای ساختاربندی مسائل تاریخ قرآن و فصل‌بندی آنها ارائه کرده‌اند (ر.ک: آقایی، ۱۳۸۲، ص ۵۶-۶۵/ شاکر، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۴۹-۶۳)؛ این الگوها و موارد مشابه، زمانی از پذیرش همگانی برخوردار خواهند شد که اختلاف ساختارهای موجود به‌طورکامل ریشه‌یابی شود.

تطور و قلمرو تاریخ قرآن (با تأکید بر دیدگاه مسلمانان و خاورشناسان)

۷. علل اختلاف در مسئله‌شناسی و ساختار مباحث تاریخ قرآن

به نظر می‌رسد تفاوتی که در مسئله‌شناسی مباحث تاریخ قرآن و ساختار آن وجود دارد، خود پیامد عوامل زیر است:

۷-۱. اختلاف در شناخت قلمرو تاریخ قرآن

با گذشت بیش از نیم سده از نگارش کتاب‌های تاریخ قرآن در بین مسلمانان، هنوز تلقی یکسانی از قلمرو تاریخ قرآن و مباحث آن وجود ندارد. دلیل آن، نزدیکی برخی از مباحث «تاریخ قرآن» و «علوم قرآنی» حتی به معنای تحدیدشده آن است؛ ازاین‌رو در بسیاری از کتاب‌هایی که با نام «علوم قرآن» نوشته شده‌اند - مانند مباحث فی علوم القرآن، اثر صبحی صالح و مناع قطان، و مناهل العرفان فی علوم القرآن، نوشته محمد عبدالعظیم زرقانی، مباحث تاریخ قرآن نیز به فراوانی به چشم می‌خورد و برعکس آن، در برخی از کتاب‌های تاریخ قرآن نیز مباحثی را می‌توان یافت که گاه دارای ماهیت «علوم قرآنی» یا «کلامی» یا «تفسیری» هستند؛ ازجمله بحث از معجزه‌بودن قرآن و ویژگی‌های آن در اضواء البیان فی تاریخ القرآن، نگاشته صابر حسن محمد ابوسلیمان، یا مباحث ناسخ و منسوخ، علم تفسیر قرآن، وجوه و نظایر قرآن در تاریخ جمع قرآن کریم، اثر سید محمد رضا جلالی نائینی یا گفتار اسباب نزول و نیز ماهیت وحی و چگونگی ظهور آن بر بشر در کتاب‌های تاریخ قرآن، نوشته محمد هادی معرفت و محمود رامیار. شاید همین موضوع انگیزه‌ای شد تا گروهی از نویسندگان معاصر ترجیح دهند کتاب‌های خود را با عنوان تلفیقی «تاریخ و علوم قرآن» نامگذاری نموده (ر.ک: میر محمدی زندی، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۳۰۰) و به مباحث تاریخ و علوم قرآن در کنار هم پردازند.

۷-۲. اختلاف در اهداف

عامل دیگر در انتخاب مسائل تاریخ قرآن و چگونگی ساماندهی کتاب، اختلاف در اهداف است؛ بدین ترتیب نویسندگانی که از موضع تاریخ‌نگاری قرآن به نوشتن کتاب روی

آورده و هدف آنان شناساندن قرآن به صورت جامع بوده است، در استقصای مباحث تاریخ قرآن کوشیده و تا آنجا که امکان داشت، نکته‌ای را فروگذار نکرده‌اند؛ در زبان فارسی کتاب‌های تاریخ قرآن نوشته محمود رامیار، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم اثر سید محمدباقر حجتی و تا اندازه‌ای کتاب‌های تاریخ قرآن نگارش محمدهادی معرفت و تاریخ قرآن به قلم محمدحسین محمدی با چنین رویکردی تألیف شده‌اند. در صورتی که برخی از مؤلفان تاریخ قرآن با توجه به انگیزه قوی در نقد مخالفان - از خاورشناسان گرفته تا پیروان مسلمان آنها - با نگاه مسئله‌محورانه به نگارش تاریخ قرآن روی آورده و مسائلی را برگزیده‌اند که جایگاه مناسب‌تری در دفاع از قرآن و نقد مخالفان دارد؛ برای نمونه محمد عزه دروزه در مباحث تاریخ قرآن، به‌طور عمده بر مسئله «جمع و تدوین قرآن» تمرکز کرده و بسیاری از روایات موجود در این باره را در پرتو عرضه بر قرآن به چالش کشیده است. چنان‌که در کتاب تاریخ قرآن نوشته عبدالصبور شاهین نیز چند مسئله مشخص مانند «سبعه احرف»، «متن قرآن بین گفتار و نوشتار»، «خط قرآن در زمان پیامبر ﷺ»، «قرائت به معنا»، «متن قرآن پس از پیامبر ﷺ»، «مشکل مصاحف» و «آغاز قرائت‌های شاذ» (در هفت فصل) گزینش شده و مورد بررسی قرار گرفته است. انتخاب عنوان‌های یادشده از سوی نویسنده یادشده به این دلیل صورت گرفته که وی اندیشه‌های خاورشناسان در این مسائل را به شدت نقدپذیر دانسته و در واقع کتاب خود را با رویکرد نقد آرای آنان و نشان دادن حقیقت مسائل تاریخ قرآن تألیف کرده است (۲۴ «مقدمه»).

۷-۳. اختلاف در عنوان‌بندی جزئی و کلی تاریخ قرآن

برخی از نویسندگان تاریخ قرآن مباحث این دانش را به تفصیل مورد بررسی قرار داده و طبقه‌بندی‌های ریز و دقیقی به عمل آورده‌اند، در حالی که برخی دیگر قائل به تقسیم‌بندی کلی‌تر شده، در نتیجه ساختار کتاب را با فصل‌های محدودتری سامان داده‌اند؛ برای نمونه محمدهادی معرفت، کتاب تاریخ قرآن را در شش فصل سامان داد و بی‌آنکه فصل مستقلی را به گردآوری و تدوین قرآن در عصر رسالت اختصاص دهد، جستارهای گوناگونی؛ مانند جمع

تطور و قلمرو تاریخ قرآن (با تأکید بر دیدگاه مسلمانان و خاورشناسان)

و تدوین قرآن پس از رحلت پیامبر ﷺ، مصاحف صحابه و اختلاف‌های آن، رسم‌الخط قرآن و مراحل آن تا چاپ و انتشار قرآن در عصر حاضر را در فصلی با عنوان «جمع و تألیف قرآن» ارائه نموده است؛ در صورتی که همین مباحث در کتاب‌های تاریخ قرآن اثر سید محمد باقر حجتی و محمود رامیار نزدیک به ده فصل از ساختار کتاب را پوشش داده است. در تاریخ قرآن رامیار سه فصل به مباحث وحی اختصاص دارد، دو فصل ویژه گردآوری قرآن در زمان ابوبکر و مصاحف هم‌زمان با خلافت وی و دو فصل نیز به خط قرآن و اصلاح رسم‌الخط آن اختصاص یافته است؛ چنان‌که در پژوهشی در تاریخ قرآن کریم نوشته حجتی، هریک از عنوان‌های «آیه»، «سوره»، «فواتح سور»، «پیامبر امی»، «ماهیت خط عربی»، «قرائت قرآن»، «لهجه قرآن»، «قراء قرآن» - افزون بر مباحث مشهور تاریخ قرآن - فصل مستقلی را به خود اختصاص داده‌اند.

طبقه‌بندی زیر از نوع طبقه‌بندی‌های کلی در تقسیم‌بندی‌های تاریخ قرآن است که آمیزه‌ای از تجارب تاریخ‌نگاران قرآن می‌باشد:

- وحی و نزول قرآن در مکه و مدینه (با توجه به ویژگی‌های مکی و مدنی در قرآن).
- نگهداری و نگارش قرآن در عصر پیامبر ﷺ.
- گردآوری و تدوین قرآن در دوره‌های مختلف.
- تقسیم‌بندی‌ها و ساختار قرآن (آیه‌ها، سوره‌ها و ترتیب آنها).
- قرائت‌های قرآن و مصاحف صحابه و اختلافات آنها.
- رسم‌الخط قرآن و دگرگونی‌های آن در راستای اصلاح و تکمیل.
- چاپ، نشر و ترجمه قرآن به زبان‌های گوناگون.

بنیان این طبقه‌بندی بر شناخته‌شدن قرآن به عنوان کتاب دینی مسلمانان ارائه شده؛ از این رو در بردارنده بحثی درباره نام و عنوان قرآن نیست.

نتیجه

چیزیست، خاستگاه، تطور، قلمرو و ساختار مباحث تاریخ قرآن از دیدگاه مسلمانان و شرق‌شناسان را می‌توان در امور ذیل بیان کرد:

۱. تاریخ قرآن، ترکیبی اصطلاحی و نوظهور در علوم قرآن است که برخی صاحب نظران آن را بدیهی و بی نیاز از تعریف دانسته و گروهی هم درصدد بیان چیهستی آن برآمده اند. شناسایی سرگذشت قرآن از آغاز نزول تا عصر حاضر دقیق ترین تعریف در این باره است.

۲. خاستگاه دانش تاریخ قرآن میان مسلمانان و خاورشناسان متفاوت است. مسلمانان در ضمن مباحث مربوط به علوم قرآن، و در دوران معاصر با رویکرد استقلالی یا ابزاری و به منظور دفاع از صیانت قرآن و در مقابل، مستشرقان به عنوان مدخلی بر قرآن یا ترجمه آن با پیش فرض و حیانی نبودن قرآن و در برخی آثار متأخرتر مانند تاریخ قرآن نولدکه با نگاه استقلالی به این بحث پرداخته اند.

۳. برخی پژوهشگران مسلمان مانند سیدمرتضی عسکری انگیزه کاربرد اصطلاح تاریخ قرآن از سوی خاورشناسان را همراه با حسن نیت نمی دانند اما برخی دیگر با به رسمیت شناختن تحول و دگرگونی در فرایند پژوهش های اسلامی رویکرد مثبت و در عین حال همراه با احتیاط و نقد علمی را اتخاذ نموده اند.

۴. قرآن و کتاب های روایی و تاریخی از بنیادی ترین مصادر علم تاریخ قرآن هستند.

۵. قلمرو ارائه شده از سوی خاورشناسان درباره مباحث تاریخ قرآن دارای پیوند مستقیم با نگرش آنان در خصوص تاریخ مندی قرآن و بالتبع خالی بودن از مباحثی مانند وحی و اقسام است. در مقابل، قرآن پژوهان مسلمان با توجه به واقعیت های تاریخی به تعیین مباحث تاریخ قرآن پرداخته اند.

۶. اختلاف در شناخت قلمرو تاریخ قرآن، اختلاف در اهداف و اختلاف در عنوان بندی جزئی و کلی تاریخ قرآن از عوامل تفاوت در مسئله شناسی مباحث تاریخ قرآن و ساختار آن است. الگوهای ارائه شده در ساختار بندی مسائل تاریخ قرآن و فصل بندی آنها زمانی از پذیرش همگانی برخوردار خواهند شد که اختلاف ساختارهای موجود به طور کامل ریشه یابی شود.

منابع

۱. آقایی، سیدعلی؛ «تحلیل آماری مباحث تاریخ قرآن در کتابهای علوم قرآنی»، کتاب ماه دین (ماهنامه): ش ۶۸-۶۹، خرداد و تیر ۱۳۸۲، ص ۲۷-۵۶.
۲. ابولیل، محمد؛ القرآن الکریم من المنظور الإستشراقی (دراسة نقدیه تحلیلیه): قاهره: دارالنشر للجامعات، ۱۴۲۳ق.
۳. ایازی، سیدمحمدعلی؛ قرآن اثری جاویدان؛ رشت: انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۱.
۴. بدوی، عبدالرحمن؛ دفاع از قرآن در برابر آرای خاورشناسان؛ ترجمه سیدحسین سیدی؛ مشهد: انتشارات به نشر، ۱۳۸۳.
۵. بلاشر، رژی؛ در آستانه قرآن؛ ترجمه محمود رامیار؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۶. بهشتی، محمدرضا؛ تاریخ قرآن؛ دانشنامه جهان اسلام؛ زیرنظر غلامعلی حداد عادل؛ تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۰.
۷. پارسا، فروغ؛ خاورشناسان و جمع و تدوین قرآن کریم؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
۸. حجتی کرمانی، علی؛ تاریخ و علوم قرآن؛ تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۶۰.
۹. حمدی زقزوق، محمود؛ الإستشراق و خلفیة الفکریه للصراع الحضاری؛ قاهره: دارالصحوه، ۱۴۰۹ق.
۱۰. خرمشاهی، بهاءالدین؛ قرآن پژوهشی (هفتاد بحث و تحقیق قرآنی)؛ تهران: مرکز نشر فرهنگی مشرق، ۱۳۷۳.
۱۱. دبیرخانه نمایشگاه بین المللی قرآن کریم؛ فهرست کتابهای علوم و معارف قرآنی چاپ شده به زبانهای لاتین (۱۹۹۵-۲۰۰۱)؛ رشت: انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰.
۱۲. دروزه، محمدعزه؛ تاریخ قرآن؛ ترجمه محمدعلی لسانی فشارکی؛ تهران: نشر انقلاب، ۱۴۱۰ق.
۱۳. رامیار، محمود؛ تاریخ قرآن؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۱۴. رحیمی ریس، احمدرضا؛ «تاریخ قرآن نولدکه»، فصلنامه سفینه؛ ش ۱، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۱-۴۲.

۱۵. زمانی، محمدحسن؛ مستشرقان و قرآن (نقد و بررسی آرای مستشرقان درباره قرآن)؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۱۶. سعیدی روشن، محمداقر؛ علوم قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹.
۱۷. شاکر، محمدکاظم؛ تاریخ قرآن؛ دائرةالمعارف قرآن کریم؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۱۸. شاکر، محمدکاظم؛ علوم قرآنی؛ قم: انتشارات دانشگاه، ۱۳۸۷.
۱۹. شاهین، عبدالمنصور؛ تاریخ قرآن؛ ترجمه سیدحسن سیدی؛ مشهد: انتشارات به‌نشر، ۱۳۸۲.
۲۰. صغیر، محمدحسین علی؛ المستشرقون والدراسات القرآنیة؛ بیروت: دارالمورخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ قرآن در اسلام؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۵۳.
۲۳. عسکری، سیدمرتضی؛ القرآن الکریم وروایات المدرستین؛ تهران: مجمع‌العلمی الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۲۴. کریمی‌نیا، مرتضی؛ «انتشار مقالات قرآنی به زبان‌های اروپایی»، گلستان قرآن (دو هفته‌نامه)؛ ش ۱۹۰، آبان ۱۳۸۳، ص ۵-۳.
۲۵. کریمی‌نیا، مرتضی؛ کتاب‌شناسی مطالعات قرآنی به زبان‌های اروپایی؛ تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۸۰.
۲۶. کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی؛ تحقیق علی‌اکبر غفاری؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۳.
۲۷. گلدزیهر، ایگناز؛ گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان؛ ترجمه سیدناصر طباطبایی؛ تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۳.
۲۸. محمدی، محمدحسین؛ تاریخ قرآن؛ قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۹. مظلومی، رجبعلی؛ پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی (سرگذشت قرآن)؛ تهران: نشر آفاق، ۱۴۰۱ق.
۳۰. معارف، مجید؛ درآمدی بر تاریخ قرآن؛ تهران: نشر نیا، ۱۳۸۳.
۳۱. معرفت، محمدهادی؛ تاریخ قرآن؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
۳۲. معرفت، محمدهادی؛ شبهات و ردود حول القرآن الکریم؛ قم: مؤسسه التمهید، ۱۴۲۴ق.

تطور و قلمرو تاریخ قرآن (با تأکید بر دیدگاه مسلمانان و خاورشناسان)

۳۳. موسوی خویی، سید ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالزهراء (س)، ۱۳۹۵.
۳۴. مهدوی راد، محمد علی؛ سیر نگارش های علوم قرآنی؛ تهران: نشر هستی نما، ۱۳۸۴.
۳۵. میر محمدی زرنندی، سید ابوالفضل؛ بحوث فی تاریخ القرآن و علومه؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۲۰ ق.

36. Blair, Sheila S. and Jonathan M. Bloom, "Ornamentation and Illumination", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006.
37. Neuwirth, Angelica, "Form and Structures of the Quran", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006.
38. Rippin, Andrew, "Foreign Vocabulary", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006.